

راه های متنوع سازی درآمدی و سودآوری در بانک ها

اقبال محمدپور^۱، رضا خدایی محمودی^۲

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت دولتی _ مدیریت نیروی انسانی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

^۲ دانش آموخته دکتری مدیریت نیروی انسانی، هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

نام نویسنده مسئول:

اقبال محمدپور

چکیده

هدف کلی تحقیق حاضر، شناسایی و بررسی راههای متنوع سازی درآمدی است. در تحقیق حاضر، طبق نظریه ها، ابعاد ماهوی و مدیریتی و زمینه ای را برای متنوع سازی درآمدی به عنوان مبنای مطالعاتی متصور هستیم پیشنهاد می شود در مدیریت شعب شایسته سالاری مدنظر قرار گیرد و نسبت به مدیریت کارآمد و موثر در بانک ها نظارت و ارزیابی دقیق تری صورت پذیرد تا از طریق کارکنان دانشی که سازمان یادگیرنده را به ارمغان می آورند شاهد متنوع سازی درآمدهای و سود آوری آن ها در دنیای رقابتی متلاطم کنونی باشیم
واژگان کلیدی: متنوع سازی درآمدی، ابعاد ماهوی، ابعاد مدیریتی، ابعاد زمینه ای.

مقدمه

امروزه بانک‌ها خدمات متنوعی به مشتریان خود ارائه می‌دهند، طیف این خدمات از جذب سپرده‌ها و اعطای تسهیلات تا خدمات نوینی که از طریق شبکه جهانی اینترنت عرضه می‌گردد را شامل می‌شود. افزایش کارایی و ارائه خدمات متنوع در حداقل زمان ممکن از جمله انتظاراتی است که شبکه بانکی کشور پیوسته با آن مواجه بوده و در این راستا اقداماتی از قبیل پیاده سازی طرح شتاب (شبکه تبادل اطلاعات بین بانکی) و بانکداری الکترونیکی در سیستم بانکی کشور طراحی و به مرحله اجرا گذاشته شده است. نظام بانکی از طریق هدایت منابع به بخش‌های تولیدی و خدماتی می‌تواند ضمن ایجاد تولید، اشتغال و ایفای مسئولیت‌های اجتماعی خود زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور را فراهم نماید. حوزه فعالیت بانک‌ها در سه بخش تجهیز منابع، تخصیص منابع و ارائه خدمات می‌باشد. لذا بررسی و شناسایی عملکرد بانک‌ها در اجرای هر یک از وظایف مذکور می‌تواند طیفی از نقاط قوت و ضعف موجود در بانک‌ها را ارائه دهد. از آنجایی که بانک‌ها نیز همانند سایر بنگاه‌های اقتصادی به دنبال سودآوری هستند، برای دستیابی به این هدف مهم، شناخت متغیرهای اثرگذار ضروری می‌باشد. عوامل مؤثر در فرآیند سودآوری بانک‌ها به دو دسته کلی عوامل داخلی و خارجی تقسیم می‌گردند. عوامل داخلی تحت کنترل مدیریت شعب بانک و عوامل خارجی خارج از کنترل مدیریت و تحت تاثیر محیط کلان می‌باشند. همانگونه که ذکر گردید عوامل داخلی در اختیار مدیریت شعب قرار داشته و لذا این عوامل عمدتاً منعکس کننده سیاست‌ها و تاکتیک‌های مدیریتی که در حوزه‌های تخصیص منابع، مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها، مدیریت نقدینگی و مدیریت هزینه نمایان می‌گردد، می‌باشند (رستمی، ۱۳۹۲، ۱۹). بانک‌ها به عنوان واسطه منابع پولی در کنار نهادهای سرمایه‌گذاری مانند بورس و بیمه از ارکان اصلی بازارهای مالی شمرده می‌شوند. آنها یکی از عوامل مهم سیاست‌های پولی و مجریانی برای تصمیم‌های اقتصادی بانک مرکزی هستند. بانک‌ها با قبض و بسط اعتبارات بانکی و هدایت وجوه از بخشی به بخش دیگر، گذشته از کمک به تثبیت اقتصاد در سطح کلان، نقش مؤثری در تنظیم بخش‌های اقتصادی نیز بر عهده دارند. به دلیل عدم توسعه لازم بازار سرمایه در اقتصاد ایران، بانکداری از اهمیت بیشتری برخوردار است و در عمل این بانک‌ها هستند که عهده دار تامین مالی بلند مدت می‌باشند (شادکام، ۱۳۸۷، ۲۰).

بانک‌ها امروزه بدلیل داشتن منابع مالی سرشار و قدرت مانور مالی (بسه به سیاستهای تخصیص منابع شان و نیز سیاست‌های سرمایه‌گذاری خویش) به عنوان اهرم و نماد اقتصاد هر کشوری مطرح هستند که پویایی آنها چرخ‌های تولید و اشتغال و در کل اقتصاد را به حرکت درخواهد آورد، متأسفانه دلایل زیادی مانند ساختار اقتصاد ایران که از نظر اندیشمندان به بیماری هلندی دچار است یا اخیراً رشد کمی سرسام آور کمی موسسات مالی و اعتباری و بانک‌ها که از آن به رشد قارچ مانند تعبیر شده است و از کیفیت خدمات بانکی کاسته است و یا بنگاه‌داری بانک‌ها و فعالیت آنها در زمینه مسکن و برج‌سازی به دلیل سودآوری آنها (در حالی که دارایی ثابت مانند بانک در شرایط تورمی و رکود تکیه‌گاه سرمایه‌گزاران برای جلوگیری از زیان‌دهی است و اصولاً حمایت دولتها از بخش مسکن و خوراک همواره موجب جلوگیری از افزایش آمار فقر و رکود و تورم بوده است) و ساختار بانکی ما را نیامند رفرم و اصلاحات اساسی می‌بیند که علیرغم تلاشهای پژوهشی فراوان در زمینه سودآوری بانک‌ها و بررسی ریشه مشکلات فعلی و... پژوهش منسجمی که راهکارهای متنوع سازی درآمدی را ارائه دهد وجود نداشته است لذا در این پژوهش هدف ما ارائه راهکارهای متنوع سازی درآمدی است زیرا معتقدیم اگر درآمدهای سودده که محول شرایط اقتصادی فعلی باشند و انضباط مالی را به هم نزنند و قانونی و اصولی باشند راهکار برون رفت از شرایط فعلی است پس در پژوهش حاضرابعاد متنوع سازی درآمدی و مبانی نظری پژوهش حاضر متشکل از سه بعد ۱- ماهوی و ۲- مدیریتی و ۳- زمینه‌ای می‌باشد که بر اساس نظریات نظریات رستمی (۱۳۹۳) و باقری (۱۳۸۱) می‌باشند؛ بعد الف- عوامل ماهوی شامل (۱- میزان و نوع سپرده‌ها - ۲- میزان و نوع تسهیلات پرداختی) ب- عوامل مدیریتی شامل (۱- مدیریت نقدینگی - ۲- مدیریت هزینه‌ها - ۳- مدیریت - ۴- مدیریت پرداخت تسهیلات تکلیفی - ۵- مدیریت وصول اعتبارات اعطائی - ۶- مدیریت منابع و مصارف) و پ- عوامل زمینه‌ای شامل (۱- موقعیت جغرافیائی - ۲- سطح تحصیلات - ۳- تعداد کارکنان - ۴- سن کارکنان - ۵- سابقه شغلی کارکنان - ۶- اندازه شعب) خواهد بود.

پس پژوهش حاضر می‌کوشد به این سوال پاسخ دهد که :

راه‌های متنوع سازی درآمدی و سودآوری در بانکها از سه بعد (۱- ماهوی - ۲- مدیریتی - ۳- زمینه‌ای) چه عواملی می‌باشند؟

۱. اهمیت موضوع

تفاوت بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته تنها در این نیست که یکی دارای فن آوری پیشرفته است و دیگری این فن آوری را ندارد، بلکه اقتصاددانان امروزی معتقدند که کشورهای توسعه یافته دارای اقتصاد مالی یکپارچه، فعال و گسترده هستند، در حالی که کشورهای توسعه نیافته از چنین امکانی بی بهره اند. یکی از پیش شرط‌های اقتصاد مالی یکپارچه و فعال، وجود نظام بانکی کارآمد است. یک نظام بانکی کارآمد قادر است با تخصیص بهینه منابع، چرخ‌های تولید را به حرکت درآورد و مسیر رشد و توسعه را هموار کند، در حال حاضر در کشور ما که در حال اجرای پنجم برنامه توسعه خود است، وجود یک نظام بانکی کارآمد ضروری است (موسویان، ۱۳۷۹، ۵).

الف: مهمترین عامل ورشکستگی بانک ها، ریسک اعتباری است، اگر مشتری به موقع تعهدات خود را بازپرداخت نکند، این تسهیلات به صورت مطالبات معوق بانکی درمی آید و این امر موجب اختلال در توزیع اعتبارات بانکی و در نتیجه اختلال در اقتصاد کشور می شود.

ب: اندازه گیری ریسک اعتباری با پیش بینی زیان های عدم بازپرداخت اعتبارات و ایجاد رابطه منطقی بین ریسک و بازده، امکان بهینه سازی ترکیب پرتفوی اعتباری، قیمت گذاری دارایی ها و تعیین سرمایه اقتصادی بانک ها را به منظور کاهش هزینه های سرمایه ای و حفظ توان رقابتی فراهم و نوعی مزیت نسبی برای بانک ها و موسسات اعتباری ایجاد می نماید (روبین تن، ۱۳۸۵، ۱۵). صورت های مالی بانک ها شامل ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت گردش وجوه نقد نیز به شدت تحت تاثیر ریسک های اعتباری می باشد.

میزان ریسک اعتباری رابطه منفی با سودآوری دارد بنابراین بانک ها با افزایش نظارت و بررسی ریسک اعتباری می توانند سوددهی شان را بالا ببرند و چنین سیاست هایی نیازمند پیش بینی سطوح ریسک در آینده است. بنابراین بانک های مرکزی استانداردهای خاصی را برای سطح مطالبات در نظر می گیرند که باید نظام بانکی آن را اجرا کند.

مدیریت نقدینگی به معنای توانایی بانک برای ایفای تعهدات مالی خود در طول زمان است. مدیریت نقدینگی یکی از بزرگترین چالش هایی است که سیستم بانکداری با آن روبروست. دلیل اصلی این چالش آن است که بیشتر منابع بانک ها از محل سپرده های کوتاه مدت تامین مالی می شود. علاوه بر این، تسهیلات اعطایی بانک ها صرف سرمایه گذاری در دارایی هایی می شود که درجه نقدشوندگی نسبتاً پایینی دارند. مدیریت نقدینگی نیز مانند دیگر مدیریتها، تقابلی بین ریسک و بازدهی است. زیرا نگهداری نقدینگی بیشتر در حسابهای موجود اسکناس و مسکوک، موجودی نزد بانک مرکزی، موجودی نزد سایر بانک ها و ذخیره قانونی، باعث کاهش ریسک و همزمان فرصت های سرمایه گذاری را از بانک گرفته و بازدهی بانک را نیز کاهش خواهد داد. وظیفه اصلی بانک ایجاد توازن بین تعهدات مالی کوتاه مدت و سرمایه گذاری بلندمدت است. بدیهی است که ناکافی بودن مقدار نقدینگی، بانک را با خطر عدم توانایی در ایفای تعهدات روبرو می کند و در نتیجه، بانک را با خطر عدم توانایی در ایفای تعهدات روبرو می کند و در نتیجه بانک در معرض ورشکستگی قرار می گیرد. از سوی دیگر، نگهداری مقادیر فراوان نقدینگی هم نوع خاصی از تخصیص ناکارآمد منابع است که باعث کاهش نرخ سوددهی بانک به سپرده های مردم و در نتیجه، باعث از دست دادن بازار می شود (احمدپور، ۱۳۸۷، ۵).

هدف بانک ها در مدیریت نقدینگی، باید دستیابی به استراتژی ای باشد که حداکثر سود را با حداقل ریسک امکان پذیر سازد. انطباق یا عدم انطباق کنترل شده سررسید و نرخ بهره دارایی ها و بدهی های یک بانک اهمیت زیادی در مدیریت بانک دارد. از آنجا که معاملات بانک ها بسیار متنوع است و اغلب، نوع و شرایط گوناگونی دارد، انطباق کامل زمانی سررسید آنها به ندرت رخ می دهد. عدم انطباق زمانی دارایی ها و بدهی ها، احتمالاً سودآوری را افزایش می دهد اما در عین حال ممکن است خطر بروز زیان را نیز بیفزاید (عالی و، ۱۳۷۵، ۱۴).

کنترل نقدینگی از مسئولیت های مهم مدیریت بانک است. استفاده از وجوه کوتاه مدت در سرمایه گذاری های بلندمدت، بانک را با این ریسک مواجه می نماید که دارندگان حساب های سرمایه گذاری ممکن است متقاضی دریافت وجوه خود باشند و این نکته بانک را مجبور به فروش دارایی های خود نماید. بانک می بایست دارای نقدینگی کافی برای پاسخگویی به تقاضای سپرده گذاران و وام دهندگان داشته باشد تا اطمینان عمومی را نسبت به خود جلب نماید. موسسات مالی نیازمند داشتن سیستم مدیریت دارایی و بدهی اثربخش بوده تا بتوانند عدم انطباق سررسید در دارایی ها و بدهی ها را حداقل و بازگشت آنها را بهینه نمایند. همچنین نقدینگی با سودآوری رابطه معکوس داشته، بنابراین نهادهای مالی باید بین نقدینگی و سودآوری تعادل مناسبی را برقرار کنند. مدیریت نقدینگی در سطوح مختلفی صورت می گیرد. اولین نوع مدیریت نقدینگی به صورت روزانه صورت پذیرفته و به صورت متناوب نقدینگی مورد نیاز در روزهای آتی پیش بینی می شود. دومین نوع مدیریت نقدینگی که مبتنی بر مدیریت جریان نقدینگی است، نقدینگی مورد نیاز را برای فواصل طولانی تر شش ماهه تا دو ساله پیش بینی می کند. سومین نوع مدیریت نقدینگی به بررسی نقدینگی مورد نیاز بانک در شرایط بحرانی می پردازد.

اهمیت انجام پژوهش در این است که بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش حاکی است علیرغم تحقیقات متعدد در زمینه سودآوری بانک ها و متنوع سازی درآمدی و ... تحقیق منسجمی که رویکردی همه جانبه و کلی به قضیه داشته و در راستای حل ریشه ای مشکل گام برداشته شود وجود نداشته است پس پژوهش در زمینه حاضر جنبه نوآورانه و بکر بودن را داراست و می کوشد از یکجانبه نگری پرهیز کرده و رویکردی کلی نگر و جامع داشته باشد و پیشنهاداتش راهگشای مشکلات سیستم بانکی فعلی باشد بدیهی است باتوجه به گسترش کمی بانک ها در چند سال اخیر که از آن به رشد قارچی تعبیه شده است و نیز تنوع خدمات ارائه شونده در بانک های مختلف برای جذب مشتری مطالعه راهکارهای نوین و کارآمد جهت پیشی گرفتن از رقبا در عصر رقابت و اطلاعات بیش از پیش ضروری می نماید و لازم است مشکلات بصورت اساسی ریشه یابی شده

و راهکارها قابلیت اجرا و تضمین کنندگی موفقیت را داشته باشند. بررسی ها نشان می دهد در زمینه پژوهش حاضر تحقیق منسجمی صورت نپذیرفته است لذا پژوهش در زمینه حاضر جنبه نوآورانه و بکر بودن را داراست.

۲. مبانی نظری

۲-۱. عوامل داخلی

عوامل داخلی عواملی هستند که تحت کنترل مدیریت بانک می باشند. تعدادی از آنها عبارتند از :

۱) **سرمایه:** سرمایه در اقتصاد عبارت است از حق یا علاقه صاحبان یک موسسه نسبت به دارایی موسسه مذکور. این مبلغ از کم کردن بدهی های موسسه از جمع دارایی آن بدست می آید (نبوی، ۱۳۸۰، ۲۰).

سرمایه میزان وجوه و اعتبارات ملکی در دسترس برای حمایت از کسب و کار بانک است. امروزه و به ویژه پس از بحران ورشکسته شدن بانک ها در دهه ۱۹۹۰، ساختار سرمایه و نسبت سرمایه بانک ها یکی از موضوعات مهم در عرصه بانک داری شده است و سازمان ها و ارگان های بین المللی در زمینه بانکداری و قانون گذاری را برآن داشت تا برای جلوگیری از تکرار چنین حوادثی در آینده و جهت حفظ سلامت نظام مالی و پولی داخلی و بین المللی یک سری تدابیر در این باره اتخاذ کنند. به همین منظور کمیته بال برای بانکداری در سال ۱۹۸۸ مشخص کرد که سرمایه بانک بایستی حداقل ۸ درصد ارزش موزون داراییهای ریسک دارش باشد. یکی از دلایل مهم بالا بردن نسبت سرمایه در بانک ها، توانمند ساختن آنها برای مقابله با خطر عدم باز پرداخت تسهیلات بانکی از طرف وام گیرندگان بوده است، زیرا که بانک از سرمایه خود به عنوان یک سپر در مقابل ورشکستگی استفاده می کند. از این رو سرمایه در مواقع رشد نامطلوب در حکم یک پشتوانه عمل می کند.

کفایت سرمایه مناسب، مبنای هر سیستم بانکی سالم است. کارکرد اصلی این نسبت حمایت بانک در برابر زیان های غیر منتظره و نیز حمایت از سپرده گذاران و اعتباردهندگان است. به دلیل حفاظتی که این نسبت در برابر زیان های وارده ایجاد می کند، نگهداری سرمایه کافی منبع اصلی اعتماد عمومی به بانک ها به طور اخص و به سیستم بانکی به طور اعم است. به طور کلی نسبت کفایت سرمایه توانایی بانک در پاسخگویی به سپرده گذاران و سایر اشخاص ذینفع در بانک ها (خریداران اوراق مشارکت و ...) را در بحران های مالی، اقتصادی و سیاسی نشان می دهد.

در شرایط خاص اقتصادی و در زمان مقررات و آیین نامه های خاص، در هر کشور شرایطی ایجاد می شود که بانک ها می بایست کفایت سرمایه خود را افزایش دهند که در این شرایط افزایش نسبت سرمایه به دارایی آن می تواند باعث کاهش ریسک البته این ممکن است بانک ها را به پذیرش ریسک بیشتر در پرتفولیوی دارایی هایشان به وسیله افزایش پرداخت اعتبارات و تسهیلات و وام ها به امید حداکثر کردن بازده های مورد انتظار و افزایش درآمد بانک تحریک کند. بنابراین احتمال رابطه مثبت بین نسبت سرمایه به دارایی ها و سودآوری بانک می تواند وجود داشته باشد (عالی و، ۱۳۸۵).

۲) **مدیریت ریسک اعتباری:** ریسک در لغت به معنی امکان یا احتمال بروز خطر یا روبه رو شدن با خطر، صدمه دیدن، خسارت دیدن و کاهش درآمد می باشد. ریسک زیان بالقوه ای است که یا مستقیماً از زیان های درآمد و سرمایه حاصل می شود و یا به صورت غیر مستقیم از محدودیت هایی به وجود می آید که توانایی بانک را برای دستیابی به اهداف تجاری و مالی خود کاهش می دهد. کمیته بال ریسک را به احتمال وقوع حوادث غیر منتظره _ احتمال رخ دادن زیان _ تعریف کرده است. ماهیت ریسک در نظام بانکداری به دلیل عواملی از جمله تعداد و تنوع عملیات بانکی، ماهیت متفاوت این عملیات، وضعیت سرمایه بانک و محدودیت میزان آن، حفظ منافع سهامداران بانک و سپرده گذاران، وضعیت منابع سپرده گذاران و فراوانی آن و نبود تخصص کافی در زمینه های مدیریت منابع و ثبت عملیات زیاد مالی کاملاً متفاوت از ریسک در دیگر واحدهای اقتصادی است و تمام این موارد ضرورتاً ایجاب می کند که مدیریت ریسک در بانک ها حساس تر، پیچیده تر و مشکل تر از مدیریت ریسک در دیگر واحدهای اقتصادی باشد. مدیریت ریسک عبارت است از شناسایی، تحلیل، تدبیر و برنامه ریزی مدرن برای مواجه شدن با آثار مطالعه آن و استقبال از اثرات مثبت آن. بروز ریسک در هر دو نظام بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی به کاهش قدرت سودآوری بانک منجر می گردد که در سه شکل سودآوری کمتر از هدف پیش بینی شده، از بین رفتن تمام سود پیش بینی شده و نهایتاً زیان نشان داده می شود. مدیریت ریسک یکی از مهم ترین ارکان سیستم های مالی و بانکی می باشد و در برگیرنده آن قسمت از فعالیت های بانک است که مجموعه ریسک ها را تحت تاثیر قرار می دهد. تعیین، اندازه گیری، مشاهده و کنترل ریسک ها فرآیند مدیریت ریسک را تشکیل می دهند. هدف اصلی مدیریت ریسک در هر سازمان، ارائه بهترین عملکرد و بهینه سازی استفاده از سرمایه و به حداکثر رساندن ارزش دارایی های سهامداران می باشد که با استفاده از تدابیر مناسب و راهکارهای به موقع، ریسک های اساسی از جمله ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی را پوشش می دهند. از این رو هدف مدیریت ریسک حذف

ریسک‌ها از فعالیت بانک نیست بلکه ایجاد تعادل بهینه میان ریسک و بازدهی است. ریسک اعتباری عبارت است از ریسک ناشی از عدم اطمینان (بانک) به توانایی طرف حساب (مشتری یا متعهد) برای عمل به تعهداتش (همتی، ۱۳۸۸، ۱۹). اعتبار توسط اعتباردهنده اعطا می‌شود و توسط بدهکاران گرفته می‌شود؛ به عبارتی اعتبار معرف مقدار پولی است که در تاریخی در آینده پرداخت خواهد شد و از آن جهت که ممکن است پرداخت‌های مورد انتظار محقق نشوند، ریسک اعتباری وجود دارد. پس منظور از ریسک اعتباری می‌تواند زیان‌های بالقوه‌ای باشد که از سوی مشتری اعتبار دریافت شده اما بازپرداخت آن از سوی وی با امتناع مواجه گردیده و یا توان مالی بازپرداخت به طور کامل و به موقع وجود نداشته است. مدیریت، بالاخص مدیریت نهادهای مالی هرگز وظیفه‌ای آسان نبوده و در سالهای اخیر با مشکلات بسیاری به لحاظ وجود خطرات در محیط اقتصادی مواجه بوده است. اما قسمت عمده کسب و کار نهادهای مالی همچون بانک‌ها اعطای وام است. به علاوه این موسسات جهت کسب سود بیشتر، باید در بازپرداخت کامل وام خود از سوی مشتریان موفق باشند؛ یا به عبارتی ریسک اعتباری آنها باید کم باشد (عقیلی، ۱۳۸۹، ۵). به عبارتی در بانک‌ها به احتمال عدم بازپرداخت یا تاخیر اصل و فرع تسهیلات اعطایی بانک‌ها و سایر ابزار بدهی از سوی مشتری، ریسک اعتباری می‌گویند. هدف مدیریت ریسک اعتباری ماکزیمم کردن بازده اصلاح شده براساس ریسک، از طریق حفظ میزان قابل قبول ریسک اعتباری بانک می‌باشد (بانک توسعه صادرات ایران، ۱۳۸۰).

۲-۲. عوامل خارجی

عوامل خارجی و ماهوی عواملی هستند که خارج از کنترل مدیریت بانک قرار دارند تعدادی از این عوامل عبارتند از:

(۱) تورم: تورم به عنوان یکی از اساسی‌ترین معضلات اقتصادی، در طول حیات اقتصادی هر کشور شناخته می‌شود. تورم، افزایش مداوم در سطح عمومی قیمت‌ها یا کاهش مستمر در قدرت خرید پول یک کشور است و اساساً پدیده‌ای نامطلوب در اقتصاد به شمار می‌آید که هزینه‌های جدی بر جامعه تحمیل می‌نماید. این پدیده در سطوح بالا علاوه بر آنکه نظام قیمت‌ها را مختل می‌کند، موجب کاهش پس‌اندازها، از بین رفتن انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، تحریک فرار سرمایه از بخش‌های دولتی به سمت فعالیتهای سفته‌بازی و درنهایت کندشدن رشد اقتصادی خواهد شد [۱۲]

تغییراتی که به دلیل تورم در قیمت مواد اولیه ایجاد می‌شود، سودآوری بنگاه‌ها را به مخاطره می‌اندازد و با توجه به اینکه بسیاری از تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان با استفاده از تسهیلات دریافتی از بانک اقدام به گسترش کسب و کار خود می‌کنند، این امر می‌تواند اثر خود را به صورت ایجاد مطالبات معوق بر بانک‌های تسهیلات‌دهنده تحمیل کند.

اگر تورم کاملاً پیش‌بینی شده و نرخ‌های بهره با توجه به آن تنظیم شده باشند، در نتیجه افزایش درآمدهای آنها سریع‌تر از افزایش هزینه‌ها می‌شود و این یک تاثیر مثبت بر سودآوری بانک دارد. اما اگر تورم پیش‌بینی نشده باشد پس احتمال این وجود دارد که هزینه‌های بانک سریع‌تر از درآمدهای آن افزایش یابد و از این رو بر سودآوری تاثیر معکوس داشته باشد.

(۲) سیاست‌های بانک مرکزی: سیاست‌های پولی انبساطی و انقباضی نیز می‌تواند تاثیر بالقوه در سودآوری بانک داشته باشد. نرخ بهره، یکی از ابزارهای پولی است که نقش مهمی در فعالیت‌های اقتصادی دارد؛ به گونه‌ای که حلقه ارتباطی و انتقالی سیاست پولی به بخش واقعی اقتصاد محسوب می‌گردد. این نرخ در نظام‌های پولی متکی بر بانکداری رایج اقتصادی آزاد در قالب عرضه و تقاضا برای منابع مالی قابل استقرار و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی تعیین می‌گردد. در عین حال دستیابی به محیط و شرایط اقتصاد کلان باثبات، نیازمند شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی و حفظ آن است. لذا اجرای سیاست‌های مناسب کلان اقتصادی، نقش مؤثری بر رشد سرمایه‌گذاری‌ها دارد که در میان سیاست‌های پولی و مالی در ثبات بخشیدن اقتصاد، جایگاه خاص دارند (اسماعیل زاده، ۱۳۸۸، ۸).

(۳) چرخه تجاری: در دوره رکود اقتصادی، بانک‌ها وام‌دادن را کاهش می‌دهند چون چنین دوره‌هایی معمولاً با افزایش ریسک همراه هستند بنابراین سود ناخالص نیز کاهش می‌یابد اما در دوره رونق اقتصادی، تقاضا برای اعطای تسهیلات به طور قابل توجهی تقویت شده و سود ناخالص نیز بیشتر می‌شود. از این رو درآمدها می‌تواند سریع‌تر از هزینه‌هایی که منجر به افزایش سود می‌شوند، رشد کنند؛ درحالی‌که ممکن است در طول دوران رکود اقتصادی عکس این صادق باشد.

(۴) تولید ناخالص داخلی^۱: تولید ناخالص داخلی عبارت است از کل ارزش تولیدات کالاها و خدمات در یک کشور به قیمت بازار طی یک دوره زمانی خاص (معمولاً یک سال) است. به عبارتی تولید ناخالص داخلی مجموع ارزش‌های افزوده در تمامی مراحل

^۱ GDP (Gross Domestic product)

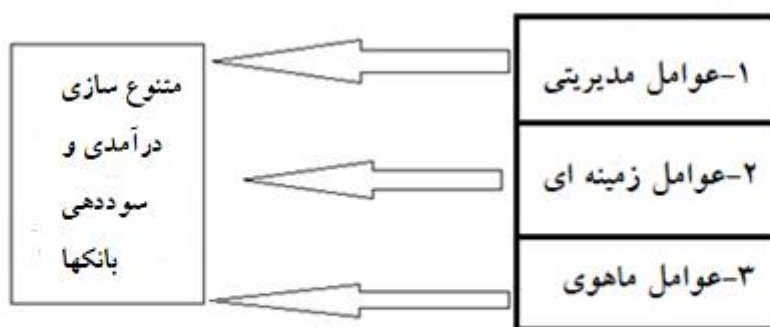
یکی از مقیاس‌های اندازه‌گیری در اقتصاد

است. تولید ناخالص داخلی در برگیرنده مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی است که در طی یک دوره معین، معمولاً یک سال، در یک کشور تولید می‌شود

تولید همه کالاها و خدمات تولید شده در یک کشور طی یک دوره زمانی خاص است. معمولاً درآمد سرانه به عنوان معیاری برای تعیین سطح زندگی در یک کشور به کار برده می شود. درآمد سرانه بنا به تعریف برابری با مبلغ کل تولید ناخالص داخلی تقسیم بر تعداد افراد در هر کشور. معمولاً زمانی که آن کمتر از روند مورد انتظار باشد، سود کاهش می یابد و اگر تولید ناخالص داخلی بیشتر از روند مورد انتظار باشد انتظار داریم که سودها افزایش یابد.

۵) سهم بازار از کل شبکه بانکی: سهم بازار می تواند به عنوان یک معیار رقابتی در بین بانک ها باشد. پس یک تغییر در سهم بازار می تواند در سود بالقوه بانک مؤثر باشد. معیار سپرده از کل سپرده بانک ها می تواند به عنوان معیار سهم بازار بانک بیان شود (ازوجی، ۱۳۸۶، ۱۱).

۲-۳- متغیرهای پژوهش و مدل تحلیلی پژوهش



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش اقتباسی از باقری (۱۳۸۱) و رستمی (۱۳۹۲)

۳. پیشنهادات

هزینه های تامین مالی تاثیر منفی و معنی دار بسیار بالایی بر سودآوری شعب بانک دارند. این هزینه ها به علت نسبت خود اتکایی بالا و در نتیجه اسقراض از مرکز به شعب تحمیل می گردد که نشانه ی عدم مدیریت صحیح نقدینگی می باشد. هر چند در نتایج آزمون رگرسیون نسبت خوداتکایی تاثیر مثبت و معنی داری بر سودآوری شعب بانک داشته است اما افزایش این نسبت باعث اسقراض از مرکز و در نتیجه تحمیل هزینه های تامین مالی بیشتری به شعب می شود. بنابراین با مدیریت صحیح نقدینگی می توان از میزان هزینه تامین مالی تحمیل شده به شعب به صورت چشمگیری کاست. در این راستا شعب می توانند با جذب سپرده های کم هزینه برای جوابگویی به نیازهای مشتریان بانک (سپرده گذاران، گیرندگان تسهیلات و...)، مدیریت پرداخت تسهیلات، هماهنگی بین سررسید تسهیلات اعطایی و سپرده ها، تحلیل نسبت ها از جمله نسبت خوداتکایی (کل تسهیلات به کل سپرده ها)، کنترل و بررسی مستمر ارقام کلیدی ترازنامه و ارزیابی مسائل مهم در ترازنامه از جمله نقدینگی، توان واریز بدهی ها و انعطاف پذیری مالی در مدیریت صحیح نقدینگی نقش بسزایی داشته باشند.

هزینه های اداری و پرسنلی تاثیر منفی و معنی داری بر سودآوری شعب بانک دارند. طبیعی است بانک ها برای کسب سطوح بالاتری از سودآوری می بایست به کاهش هزینه - های غیرضروری خود اقدام نمایند. پس برای بهبود سودآوری باید مدیریت بانک بیشترین توجه را به تمرکز در کنترل صحیح هزینه ها و کارایی عملیاتی آن داشته باشد. با توجه به اینکه در صنعت بانکداری جهانی فناوری رایانه ای و ارائه کیفیت بهتر خدمات به طور سریع در بانکداری الکترونیکی و خدمات مالی اینترنتی در حال گسترش و پیشی گرفتن است، این پیشرفت های اساسی تاثیر بسزایی در کاهش هزینه ها و افزایش درآمدها و از این رو افزایش سودآوری بانک می شود.

هزینه های مشکوک الوصول تاثیر منفی و معنی دار بسیار بالایی بر سودآوری شعب بانک دارند. این هزینه ها به واسطه عدم وصول به موقع مطالبات به شعب تحمیل می گردند.

اعطای تسهیلات از جمله مهمترین وظایف بانک ها به شمار می رود از این رو آنها ناچارند با مدیریت ریسک اعتباری خطر ناشی از اعطای تسهیلات اعتباری را شناسایی، اندازه گیری و کنترل نمایند. در این راستا اعتبار سنجی صحیح متقاضیان تسهیلات، توجه به استانداردهای کمیته بال، اخذ تضمین و وثیقه معتبر قبل از اعطای تسهیلات، عدم پرداخت تسهیلات به مشتریان بدحساب بانک های دیگر، نظارت بر برآورد هزینه و اجرای صحیح طرح ها و بوجودآمدن واحد مستقل اعتباری به منظور شناسایی، اندازه گیری و کنترل ریسک اعتباری از جمله اقدامات مناسب جهت کاهش حجم مطالبات معوق و در نتیجه کاهش هزینه مطالبات مشکوک الوصول می باشد. از دیگر شاخص های مدیریت ریسک اعتباری، نسبت وصولی می باشد. نتایج آزمون نشان داد که در سال ۱۳۸۸ نسبت وصولی تاثیر مثبت و معنی داری

بر سودآوری داشته است که منطقی به نظر می‌آید زیرا نسبت بالای وصولی نشان از وصول بالای تسهیلات اعطایی در مقایسه با مطالبات معوق می‌باشد. بنابراین شعب باید راهکارهایی از جمله پیگیری مرتب مطالبات و استفاده از ابزارهای اطلاع رسانی قبل از سررسید شدن تسهیلات به وام‌گیرندگان را در جهت افزایش نسبت وصولی خود اعمال نمایند.

از جمله راهکارهای متنوع سازی درآمدها و کاهش تسهیلات تکلیفی، مطالبه ضمانت از شخص یا نهاد معرف تسهیلات است. بدین صورت که هرگاه یک شخصیت حقیقی یا حقوقی به عنوان معرف برای دریافت تسهیلات تکلیفی قرار می‌گیرد، بانک می‌تواند یکی از تضامین تسهیلات را از خود آن شخصیت حقیقی یا حقوقی و اعتبار آن مطالبه نماید. این راهکار، انگیزه برای سفارش توسط مقامات و نهادهای دولتی برای پرداخت تسهیلات تکلیفی به صورت بی‌رویه را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. این راهکار در برخی کشورها مانند ترکیه به خوبی اجرا شده و نتایج موفق نیز در پی داشته است. البته اجرای آن، مستلزم تصویب قوانین لازم برای ایجاد ضمانت اجرایی می‌باشد، رفع مشکل تسهیلات تکلیفی به برنامه‌ریزی دقیق و همکاری خردمندان مسئولان و نهادهای ذی‌ربط نیاز دارد و در این راستا باید منافع همه ذی‌نفعان بانک مد نظر قرار گیرد. به زعم نویسنده مقاله، رفع چالش‌های مربوط به پرداخت تسهیلات تکلیفی منافی حمایت دولت از اقشار آسیب‌پذیر، ایجاد اشتغال و مواردی از این دست نیست، بلکه لازم است تا این تسهیلات همراه با برنامه‌ریزی، ضابطه‌مند و با نظارت و پایش دقیق پرداخت شود و نیز به تدریج با اتخاذ سیاست‌های تأمین مالی جایگزین از سوی دولت، زمینه حذف تسهیلات تکلیفی و تخصیص و توزیع عادلانه منابع مالی فراهم گردد، طراحی و به کارگیری سازوکارهای تأمین مالی جایگزین (همانند سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز، ابزارهای مالی جدید از جمله انواع صکوک و غیره)، تشویق بانک‌ها و مؤسسات مالی به انجام فعالیت‌های سرمایه‌گذاری اثرگذار، ترویج بانکداری اخلاقی (از دیدگاه اسلامی) در نظام بانکی، توسعه و تقویت نهادهای مالی جدید مانند بانک‌های تعاونی، اتخاذ سیاست‌های کارآفرینانه به جای نگرش ایجاد اشتغال از طریق تزریق منابع و مواردی از این دست، از جمله اقداماتی هستند که می‌توان به منظور کاهش اتکا به تسهیلات تکلیفی انجام داد.

منابع و مراجع

- [۱] اسماعیل زاده مقری، علی، (۱۳۸۸)، بررسی تاثیرپذیری تورم از سرمایه گذاری کل در اقتصاد ایران، پژوهشنامه اقتصادی.
- [۲] احمدپور، هادی، (۱۳۸۷)، ناطمینانی و استراتژی بهینه در مدیریت نقدینگی بانک ها، بانک و اقتصاد، ش ۹۶.
- [۳] اداره تشکیلات و روش های بانک توسعه صادرات ایران، (۱۳۸۱). اصول مدیریت ریسک اعتباری، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۳۰.
- [۴] ازوجی، علاالدین، (۱۳۸۶)، ارزیابی اثرات سیاستهای آزادسازی مالی و تغییرات نرخ بهره بانکی بر توسعه بخش مالی در اقتصاد ایران با استفاده از تکنیک VECM، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال هفتم.
- [۵] باقری، حسن، (۱۳۸۵)، تحقیقات مالی، سال ۸، شماره ۲۱.
- [۶] رستمی، فریبا، ۱۳۹۲، بررسی عوامل داخلی موثر بر سودآوری شعب بانک کشاورزی در استان کردستان، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- [۷] رویین تن، پونه، (۱۳۸۵)، عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری مشتریان بانکی مطالعه موردی بانک کشاورزی، جستارهای اقتصادی، شماره ششم.
- [۸] شادکام، حامد، (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی، انتشارات موسسه بانکداری ایران، سال ۱۳۸۷.
- [۹] عالی ور، عزیز، (۱۳۷۵)، صورت های مالی اساسی جلد اول چاپ دوم، تهران سازمان حسابرسی، سال ۱۳۷۵.
- [۱۰] عقیلی، بختیار، (۱۳۸۹)، بررسی ساختار سرمایه بانک تجارت و تعیین ترکیب بهینه آن (پرتفوی بهینه منابع مالی بانک تجارت)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، بهار ۱۳۸۹.
- [۱۱] موسویان، سیدعباس، (۱۳۷۹)، بانکداری بدون ربا از نظریه تا عمل، موسسه فرهنگی و اندیشه معاصر، تهران سال ۱۳۷۹.
- [۱۲] نبوی، عزیز، (۱۳۸۰)، اصول حسابداری جلد اول، تهران، کتابخانه فروردین.
- [۱۳] همتی، عبدالناصر، محبی نژاد، شادی، (۱۳۸۸)، ارزیابی تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر ریسک اعتباری بانک ها، پژوهشنامه اقتصادی شماره ششم.